

هفته نامه سپیدار

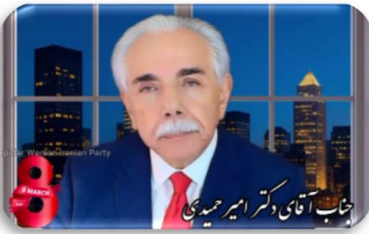


جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۴ شابهشاهی



در ادامه، هیلدا دهقانی آذر، رایزن سپیدار حزب زنان ایران، با اشاره به تحولات اجتماعی سال‌های اخیر در ایران گفت زنان ایرانی، به‌ویژه پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی»، به نمادی از شجاعت در برابر استبداد تبدیل شده‌اند. او تأکید کرد که مبارزه زنان در ایران تنها برای حقوق فردی نیست، بلکه به مطالبه‌های ملی برای آزادی، کرامت انسانی و آینده‌ای بهتر برای جامعه ایران تبدیل شده است.

دکتر امیر حمیدی، دیپلمات پیشین ایالات متحده و رایزن سپیدار حزب زنان ایران، در سخنان خود با اشاره به شرایط پیچیده کنونی ایران گفت کشور در یکی از مقاطع سرنوشت‌ساز تاریخ خود قرار دارد. او تأکید کرد زنان ایران در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که می‌توانند نیرویی برای حفظ انسجام اجتماعی و هدایت جامعه به سوی گذار مسئولانه و کم‌هزینه از بحران باشند.



سهیلا یوسفی، فعال سیاسی ایرانی مقیم هلند، در سخنان خود به نقش زنان در بازسازی آینده ایران پرداخت. او با اشاره به تجربه کشورهای مختلف گفت حضور زنان در سیاست، اقتصاد و مدیریت اجتماعی می‌تواند روند توسعه کشورها را پایدارتر و سریع‌تر کند. به گفته او، در ایران آزاد آینده زنان می‌تواند یکی از ستون‌های اصلی بازسازی اجتماعی و اقتصادی کشور باشند.



زنان در خط مقدم آینده ایران گزارشی از سمینار روز جهانی زن توسط سپیدار حزب زنان ایران

به گزارشی: لیلا خرازی

به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن، سمیناری با حضور جمعی از فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی ایرانی به ابتکار سپیدار حزب زنان ایران برگزار شد؛ نشست که محور اصلی آن بررسی نقش زنان در آینده ایران و جایگاه آنان در مسیر آزادی، عدالت و بازسازی کشور بود.



این سمینار به همت بانو ویدا طهرانی، دبیر نخست سپیدار حزب زنان ایران، روانشناس و فعال سیاسی برگزار شد. طهرانی که همچنین دبیر حقوق بشر سازمان نظم نوین ایرانیان، عضو هسته مرکزی یادمان پادشاهی و از فعالان جنبش زنان ایران است، هدف از برگزاری این نشست را ایجاد فضایی برای گفت‌وگو درباره نقش زنان در آینده سیاسی و اجتماعی ایران عنوان کرد. در این نشست شماری از فعالان سیاسی و مدنی از کشورهای مختلف به سخنرانی پرداختند و بر این نکته تأکید کردند که آینده ایران بدون مشارکت فعال و برابر زنان در عرصه‌های مختلف جامعه قابل تصور نیست.



در آغاز این سمینار، دکتر جهانگیر درویش، از اعضای گروه نیما در سال ۱۳۵۷، با اشاره به نقش زنان در تاریخ ایران، از آنان به عنوان یکی از نیروهای مهم در مسیر آزادی‌خواهی ملت ایران یاد کرد.

او با اشاره به نمونه‌هایی از زنان شجاع در تاریخ ایران، از یوتاب خواهر آریوبرزن تا زنان مبارز امروز ایران، تأکید کرد که زنان ایرانی همواره در کنار مردان برای دفاع از سرزمین و آرمان آزادی ایستاده‌اند.

هفته نامه سپیدار

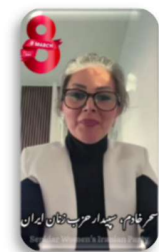


جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۸۴ شاهنشاهی

در ادامه، ماری آتامازوری، فعال سیاسی ایرانی مقیم آلمان، با اشاره به مبارزات زنان ایرانی در سال‌های اخیر گفت زنان ایران با شجاعت در برابر سرکوب ایستاده‌اند و به نمادی از امید و مقاومت تبدیل شده‌اند. او تأکید کرد زنان ایرانی نه تنها برای حقوق خود، بلکه برای آینده‌ای بهتر برای جامعه ایران مبارزه می‌کنند.



در ادامه این نشست، بهار بهاری، دبیر نخست حزب ایرانیان کرد میهن‌پرست، درباره چالش‌هایی که زنان فعال در عرصه سیاست با آن روبه‌رو هستند سخن گفت. او تأکید کرد زنان فعال سیاسی اغلب با فشارهای اجتماعی و تخریب‌های شخصیتی مواجه می‌شوند و بر همین اساس همبستگی میان زنان را عاملی مهم در تقویت حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی دانست.



در ادامه، بانو سحر خادم، از اعضای سپیدار حزب زنان ایران، در سخنان خود با نگاهی تاریخی به مبارزات زنان ایرانی پرداخت و یادآور شد که زنان از دوران جنبش مشروطه تاکنون در مسیر آزادی و پیشرفت جامعه ایران نقش مهمی ایفا کرده‌اند. او تأکید کرد بدون حضور و نقش‌آفرینی زنان، هیچ تحول اجتماعی پایدار و عمیقی در جامعه شکل نخواهد گرفت.

بانو سالومه کیا، عضو

شورای مرکزی سپیدار حزب زنان ایران، سخنان خود را به زنان زندانی سیاسی در ایران تقدیم کرد. او با اشاره به وضعیت این زنان گفت بسیاری از آنان تنها به دلیل دفاع از آزادی و عدالت زندانی شده‌اند و افزود:

«صدای زنی که برای آزادی می‌ایستد هرگز خاموش نخواهد شد. آینده ایران و برابری زنان و مردان.»



سیامک رفیع‌زاده، نماینده یک نهاد مردمی، در سخنان خود با اشاره به نقش زنان در جنبش‌های اجتماعی ایران گفت زنان در سال‌های اخیر در صف نخست مبارزه برای آزادی و عدالت قرار داشته‌اند. او زنان ایران را پرچمداران مبارزه برای حقوق شهروندی و آزادی در جامعه ایران توصیف کرد.



در پایان این نشست، بانو لایلا خرازی، از اعضای سپیدار حزب زنان ایران، در سخنان خود بر اهمیت برابری زنان و مردان در ساختن آینده ایران تأکید کرد. او گفت جامعه‌ای که نیمی از جمعیت آن از حقوق برابر محروم باشد نمی‌تواند به پیشرفت واقعی دست یابد و آینده ایران زمانی ساخته خواهد شد که زنان و مردان در کنار یکدیگر و با حقوق برابر در ساختن کشور مشارکت داشته باشند.



در بخش دیگری از نشست، علی سلطانی، عضو فعال سپیدار حزب زنان ایران، به وضعیت زنان در مناطق محروم و روستایی ایران پرداخت. او با اشاره به مشکلاتی مانند دسترسی محدود به آموزش، خدمات بهداشتی و فرصت‌های اقتصادی گفت زنان در این مناطق با وجود همه دشواری‌ها نقشی اساسی در حفظ خانواده و اقتصاد محلی ایفا می‌کنند.

سمنار روز جهانی زن سپیدار حزب زنان ایران در فضایی سرشار از همبستگی و امید برگزار شد. پیام مشترک سخنرانان این بود که زنان ایران نه تنها بخشی از آینده کشور، بلکه یکی از نیروهای اصلی ساختن ایران آزاد و آباد هستند. به باور شرکت‌کنندگان، آینده ایران زمانی تحقق خواهد یافت که زن و مرد در کنار یکدیگر، با حقوق برابر و فرصت‌های یکسان، در ساختن کشوری آزاد، قانونمند و انسانی مشارکت داشته باشند.





هفته نامه سپیدار



جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۴ شابه‌شاهی

مصاحبه رادیو سپیدار با برخی از شرکت کنندگان حاضر در

سینار روز جهانی زن

به گزارش: آزاده شرفی



در جامعه و مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران دانست. ایشان همچنین اظهار داشتند چنین برنامه‌هایی می‌تواند آگاهی مردم را درباره حقوق زنان بیشتر کند، زنان را تشویق به مشارکت در جامعه کند و توجه جامعه و جهان را به مشکلات و مطالبات زنان ایران جلب کند. در پایان ابراز امیدواری کردند به زودی در ایران آزاد در کنار پادشاه عزیزمون به ایران آباد و آزاد خدمت کنیم.

بانو سالومه کیا؛ از دیگر اعضای شورای مرکزی سپیدار نیز در پاسخ به سوال ما که چرا تصمیم گرفتند به سپیدار بپیوندید فرمودند که سپیدار همراستا با آرمانهای او هست و از زمانی که سپیدار به عنوان انجمن حقوق بشری فعالیت میکرد تا حال ایشان افتخار همراهی سپیدار را دارند. همچنین سپیدار همراستا با اتفاقات روز حرکت میکند و همیشه سعی کرده صدای مردم باشد و در راستای فرمایشات شهریار ایران شاهزاده رضا پهلوی فعالیت کرده.

ایشان در بخش دیگری از صحبتشون اشاره کردند که سپیدار سنگتوی بیش از هفتاد تن از زندایان پادشاهی خواه هست و ایشان وظیفه انتقال خبر از زندانیان سیاسی به شورای مرکزی رو دارند و همینطور در شورای مرکزی سپیدار هم فعالیت گسترده ای دارند. ایشان روز جهانی زن رو شادباش گفتند و ابراز امیدواری کردند سال آینده روز جهانی زن در ایران خانم خودمون باشیم.

بانو الهام لطیفی؛ که سخنرانی بسیار زیبا در حمایت از تمامیت ارضی ایران و همبستگی همه اقوام ایران داشتند در مصاحبه با رادیو سپیدار اظهار داشتند زنان در ایران همیشه نقش مهمی داشته اند در حفظ فرهنگ، آگاهی و همبستگی جامعه و امروز هم زنان میتوانند با آگاهی همدلی و پشتیبانی از همدیگر پلی میان همبستگی تمامی اقوام ایران باشند تا به تقویت همبستگی ملت ایران کمک کنند. ایشان در پیامی به زنان داخل ایران گفتند شما قلب تپنده جامعه ایران هستید صدای شما و ایستادگی شما آینده ایران را میسازد به قدرت خود ایمان داشته باشید و بدانید که تنها نیستید.

جناب آقای هیوا صفی پور، نماینده حزب ایرانیان کرد میهن پرست، در سمینار روز جهانی زن صحبت‌های خود را اینگونه آغاز کردند؛ که یکی از اهداف مهم حزب ایرانیان کرد میهن پرست حمایت از زنان می باشد و تلاش خواهند کرد تا جایگاه اصلی بانوان ایران زمین را در فردای آزادی به آنها باز گردانند. آینده بانوان را در فردای آزادی بسیار روشن می بینند به طوری که دبیر نخست حزب ایرانیان کرد میهن پرست بانو بهار بهاری می باشد که این خود نشان دهنده اهمیت جایگاه زنان در آینده ایران آزاد می باشد. در پایان ایشان گفتند که زنان و مردان امیدوارانه در کنار هم بیایند تا انقلاب شیر و خورشید به رهبری شاهزاده رضا پهلوی به پیروزی برسد و با اطمینان می توانند جایگاه واقعی خود را پیدا کنند.

بانو ویدا طهرانی؛ در ابتدای صحبت‌هایشان روز جهانی زن را به تمام بانوان ایران زمین در سراسر گیتی خجسته باد گفتند و اعلام کردند به عنوان یک حزب بار مسئولیت روز جهانی زن خیلی سنگین تر است. ایشان اعلام کردند که حزب سپیدار یک حزب فمینیستی نیستند و به برابری اعتقاد دارند و شعار این حزب این است که زن و مرد دو بال یک پرنده آزادی هستند و برای رسیدن به آزادی این پرنده نیاز به هر دو بال اش دارد. ولی در این روز به خصوص به عنوان یک حزب باید نشان بدهیم که در آینده ایران آزاد، آباد و سکولار چه برنامه ای برای بانوان جامعه که قرن‌ها نادیده گرفته شدند دارد و برای زنان فضایی فراهم کند که دیگر در حاشیه نباشند بلکه در بالای قدرت باشند و دوشادوش مردان و کنار هم ایرانی آباد بسازند.

ایشان در ادامه گفت برگزاری چنین سمینارهایی یکی از وظایف این حزب می باشد. دو روز در سال به طور خاص برای حزب سپیدار بسیار مهم می باشد که یکی روز ۲۵ نوامبر، روز نه به خشونت علیه زنان و ۸ مارچ روز جهانی زن است. موارد دیگر نیز برای حزب بسیار مهم هستند ولی این دو روز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

به نظر ایشان در حال حاضر وضعیت بانوان در ایران به گونه ای است که دیگر هیچ قدرتی نمی تواند زنان را در حاشیه قرار دهد. نسل امروز نسلی است که بسیار شجاعانه در میان کارزار روزگار هستند و ثابت کرده اند که بخش بزرگی از تغییرات در دستان آنان است بنابر این نمی توان نسل امروز به خصوص زنان را نمی توان از عرصه سیاست حذف نمود. در پایان نقش زنان را در آینده سیاسی ایران بسیار توانمند و تاثیر گذار در سیاست‌های کلان، اقتصاد و فضای اجتماعی ارزیابی کردند.

بانو شبنم موگویی؛ در مصاحبه ای با رادیو سپیدار ضمن شادباش روز جهانی زن و تجلیل از یادو نام جاویدنامان زن ما، هدف اصلی سمینار روز جهانی زن برای حزب سپیدار را آگاهی بخشی درباره حقوق زنان، حمایت از برابری و تقویت نقش زنان



جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۸۴ شابه‌شاهی

تهدید به مصادره اموال؟ تهدید به اعدام؟

به قلم: محمد حسین لباف باشی

من ۴۱ سال از عمرم را زیر سایه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران زندگی کرده‌ام. حکومتی که از همان روز اول با تهدید، زندان، اعدام و مصادره اموال بر سر مردم ایران ایستاد و هنوز هم همان ابزارها را تنها راه بقای خودش می‌داند. حالا همان حکومت، ما ایرانیان خارج از کشور را تهدید می‌کند؛ می‌گوید اگر صدایمان بلند باشد، اگر کنار مردم ایران بایستیم، اگر علیه این دیکتاتوری فعالیت کنیم، اموالمان را مصادره می‌کند و حتی حکم اعدام می‌دهد. راستش را بخواهید، این تهدیدها برای من و هزاران ایرانی مثل من چیز تازه‌ای نیست. ما ۴ دهه با همین ادبیات زندگی کرده‌ایم. حکومتی که برای حفظ خودش از کشتن جوانان در خیابان هم ابایی ندارد، طبیعی است که مخالفانش در خارج از کشور را هم تهدید کند.

اما یک نکته را باید خیلی روشن گفت: این تهدیدها نشانه قدرت نیست؛ نشانه ترس است.



از آذرماه، وقتی موج جدید اعتراض‌ها و اعتصاب‌های مردمی در ایران شروع شد، یک چیز برای همه روشن شد: شکاف میان مردم و حکومت دیگر قابل ترمیم نیست. خیابان‌های ایران پر شد از مردمی که دیگر نمی‌خواهند زیر پرچم این حکومت زندگی کنند. از کارگران و بازاریان گرفته تا دانشجویان و زنان، همه یک حرف مشترک دارند: **پایان این نظام.**

در چنین شرایطی، حکومت تلاش می‌کند دایره دشمنانش را بزرگ‌تر نشان دهد. حالا نه فقط مردم داخل ایران، بلکه ما ایرانیان خارج از کشور هم در لیست تهدیدهایش قرار گرفته‌ایم. اما حقیقت این است که ما خارج از کشور نه دشمن ایرانیم و نه بی‌تفاوت نسبت به سرنوشته‌ش.

ما همان مردمی هستیم که سال‌ها در همان خیابان‌ها زندگی کرده‌ایم. همان مردمی که دوستانمان در زندان‌های این حکومت افتاده‌اند. همان مردمی که خانواده‌هایمان هنوز زیر فشار اقتصادی و امنیتی زندگی می‌کنند.

فاصله جغرافیایی ما را از مردم ایران جدا نکرده است. برعکس، امروز بسیاری از صداهایی که جهان درباره ایران می‌شنود از همین خارج از کشور بلند می‌شود؛ از رسانه‌ها، از شبکه‌های اجتماعی، از تجمعات و از فعالیت‌های سیاسی. ما پل ارتباطی میان مردم ایران و جهان آزاد هستیم. و دقیقاً به همین دلیل است که حکومت از ما می‌ترسد. همان‌طور که شاهزاده رضا پهلوی بارها گفته است، مبارزه برای آزادی ایران فقط در داخل مرزها اتفاق نمی‌افتد. این یک جنبش ملی است؛ جنبشی که هم در داخل کشور جریان دارد و هم در میان میلیون‌ها ایرانی در تبعید. پیام ایشان همیشه روشن بوده: اتحاد، همبستگی و ادامه مبارزه مدنی برای بازپس‌گیری ایران.

حکومت می‌خواهد ما را بترساند. می‌خواهد این تصور را ایجاد کند که ایرانیان خارج از کشور اگر فعال باشند، خانواده و دارایی‌شان در ایران در خطر خواهد بود. اما حقیقت این است که ما سال‌هاست این هزینه را پرداخته‌ایم. خیلی از ما دیگر چیزی در ایران نداریم که از دست بدهیم، جز کشوری که دوستش داریم. برای همین باید خیلی صریح بگوییم:

ما ایرانیان خارج از کشور کمتر از مردم داخل ایران نیستیم. ما هم بخشی از همین ملت هستیم. و اگر مردم داخل ایران در خیابان ایستاده‌اند، ما هم در خارج از کشور در کنارشان ایستاده‌ایم.

تهدید به مصادره اموال؟ تهدید به اعدام؟

این همان زبان همیشگی یک حکومت رو به زوال است. حکومتی که وقتی مشروعیتش را از دست می‌دهد، فقط یک چیز برایش باقی می‌ماند: ترساندن. اما یک واقعیت را باید بفهمند، نسلی که از سرکوب، زندان، اعدام و مهاجرت عبور کرده، دیگر با این تهدیدها عقب نمی‌نشیند. ما نه از شما می‌ترسیم، نه عقب می‌کشیم. ایران متعلق به یک حکومت نیست.

ایران متعلق به مردم ایران است؛ چه در داخل کشور، چه در خارج از آن. و روزی که این کشور دوباره آزاد شود، تاریخ خواهد نوشت که ایرانیان داخل و خارج از کشور در کنار هم برای آزادی ایستادند.



هفته نامه سپیدار



جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۴ شامشاهی

زنان زندانی سیاسی ایران؛

صدای خاموش نشینی آزادی

با این حال، در برخی مقاطع، شرایط امنیتی و محدودیت‌های گسترده ارتباطی، از جمله قطع اینترنت و فشارهای شدید بر زندانیان، باعث شده است که صدای این زنان کمتر به بیرون از زندان برسد. اما تاریخ بارها نشان داده است که حقیقت و آرمان آزادی را نمی‌توان برای همیشه پنهان کرد. صدای کسانی که برای آزادی می‌ایستند، دیر یا زود شنیده خواهد شد.



امروز در زندان‌های ایران زنانی حضور دارند که نماد این ایستادگی هستند؛ زنانی مانند فاطمه سپهری، زهره سرو، محبوبه رضایی، گلاره عباسی و سهیلا حجاب. یادآوری نام این زنان تنها یادآوری سرنوشت فردی آنان نیست، بلکه یادآوری مبارزهای گسترده‌تر برای آزادی و عدالت در جامعه است.

در روز جهانی زن، جامعه جهانی نه تنها دستاوردهای زنان را جشن می‌گیرد، بلکه باید در کنار زنانی بایستد که در سخت‌ترین شرایط نیز از آرمان آزادی دست نکشیده‌اند. تجربه‌های تاریخی نشان داده است که زندان نمی‌تواند اندیشه آزادی را زندانی کند و سرکوب نمی‌تواند خواست کرامت انسانی را از میان ببرد.

بی‌تردید روزی فرا خواهد رسید که صدای زنان ایران آزادانه در سرزمین خود طنین‌انداز شود؛ روزی که شجاعت و ایستادگی آنان به عنوان بخشی از تاریخ مبارزه برای آزادی در ایران به رسمیت شناخته خواهد شد. تا آن زمان، یاد و صدای این زنان همچنان الهام‌بخش تلاش برای جامعه‌ای آزادتر و عادلانه‌تر باقی خواهد ماند.

به قلم: سالومه کیا

روز جهانی زن، هشتم مارس، در سراسر جهان به عنوان روزی برای بزرگداشت مبارزه زنان برای آزادی، برابری و کرامت انسانی شناخته می‌شود. این روز تنها یادآور دستاوردهای زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیست، بلکه فرصتی است برای یادآوری زنانی که همچنان برای دستیابی به این حقوق اساسی در شرایط دشوار مبارزه می‌کنند. در ایران امروز، بسیاری از زنان به دلیل دفاع از آزادی، عدالت و حقوق انسانی با سرکوب، بازداشت و زندان مواجه شده‌اند. زنانی که تنها «جرم» آن‌ها این بوده است که در برابر بی‌عدالتی سکوت نکرده‌اند و صدای اعتراض خود را بلند کرده‌اند. این زنان، مادران، دختران و خواهرانی هستند که با وجود فشارهای شدید، مسیر شجاعت و ایستادگی را انتخاب کرده‌اند. در سال‌های گذشته، برخی از زنان زندانی سیاسی حتی از درون زندان نیز تلاش کرده‌اند پیام خود را به جهان برسانند. آنان با انتشار بیانیه‌ها و پیام‌هایی در مناسبت‌هایی همچون روز جهانی زن، امید، مقاومت و ایمان به آینده‌ای آزاد برای ایران را زنده نگه داشته‌اند. این پیام‌ها نشان می‌دهد که حتی دیوارهای بلند زندان نیز نمی‌تواند اراده انسان برای آزادی را خاموش کند.



هفته نامه سپیدار



جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۴ شاهنشاهی

نقشه ایران

به قلم: محمدحسین لباف باشی



برداشت دوم، که در تحلیل‌های امنیتی غربی نیز مطرح شده، احتمال ضعیف شدن حکومت مرکزی و شکل‌گیری مناطق قدرت محلی است. در برخی سناریوهای مطرح در محافل استراتژیک غربی، اگر یک حکومت در اثر جنگ و بحران داخلی کنترل کامل کشور را از دست بدهد، ممکن است کشور عملاً به چند حوزه نفوذ یا اداره محلی تقسیم شود؛ چیزی شبیه آنچه در سوریه یا لیبی رخ داد. در این حالت «نقشه تغییر کرده» است، حتی اگر مرزهای رسمی بین‌المللی ثابت بمانند. بنابراین منظور می‌تواند تغییر واقعی در ساختار حاکمیت و کنترل سرزمین باشد، نه لزوماً تغییر رسمی مرزها.

سناریوی سوم که برخی تحلیلگران مطرح می‌کنند، پیام سیاسی و روانی به داخل ایران است. چنین جملاتی معمولاً برای ایجاد شکاف در درون حکومت‌ها یا تشویق نیروهای مخالف به تحرک بیشتر بیان می‌شود. در واقع، وقتی یک رهبر خارجی می‌گوید «نقشه ممکن است تغییر کند»، این پیام را منتقل می‌کند که نظم موجود پایدار نیست و ممکن است تحولات بزرگی در راه باشد. از نظر جنگ روانی، این نوع پیام می‌تواند بر روحیه افراد سیاسی و نظامی داخل کشور هدف تأثیر بگذارد.

نکته مهم این است که در همان فضای سیاسی، مقامات آمریکایی به‌طور رسمی اعلام کرده‌اند که هدف عملیات نظامی تغییر مرزهای ایران نیست و تمرکز اصلی بر تضعیف توان نظامی و هسته‌ای ایران است. بنابراین جمله ترامپ را باید بیشتر به‌عنوان یک اظهار نظر سیاسی و پیش‌بینی مبهم درباره آینده منطقه دید، نه اعلام یک طرح مشخص برای تجزیه کشور. در سیاست بین‌الملل، چنین اظهاراتی اغلب بخشی از بازی بزرگ قدرت‌ها برای شکل دادن به فضای ذهنی و سیاسی آینده هستند.

در مجموع، عبارت «نقشه ایران احتمالاً مثل قبل نخواهد بود» را می‌توان چنین تفسیر کرد: ترامپ در حال القای این تصور است که جنگ ممکن است نظم سیاسی موجود در ایران را دگرگون کند؛ دگرگونی‌ای که می‌تواند از تغییر حکومت تا تغییر توازن قدرت داخلی یا حتی بی‌ثباتی موقت در ساختار حاکمیت را شامل شود. بنابراین اهمیت این جمله بیشتر در پیام ژئوپلیتیکی و روانی آن است، نه در معنای ظاهری تغییر خطوط مرزی روی نقشه.

اظهار نظر رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ درباره اینکه «نقشه ایران احتمالاً بعد از جنگ مثل قبل نخواهد بود» را باید در چارچوب استراتژی سیاسی و روانی در زمان جنگ تحلیل کرد، نه صرفاً به‌عنوان یک پیش‌بینی جغرافیایی. او این جمله را در پاسخ به سؤال خبرنگاری گفت که پرسید آیا «نقشه ایران بعد از پایان جنگ همان خواهد بود یا نه». ترامپ ابتدا گفت «نمی‌توانم بگویم» و سپس افزود «احتمالاً نه». این پاسخ کوتاه و مبهم عملاً چند لایه معنا دارد و بیشتر نشان‌دهنده فضا سازی سیاسی درباره آینده ایران است تا یک طرح مشخص برای تغییر مرزها.

نخستین برداشت ممکن از این جمله، اشاره به تغییر ساختار قدرت در ایران است. در ادبیات ژئوپلیتیک، وقتی یک رهبر از «تغییر نقشه» صحبت می‌کند، الزاماً منظورش تجزیه سرزمینی نیست؛ بلکه می‌تواند به معنای تغییر رژیم، فروپاشی ساختار فعلی حکومت یا شکل‌گیری نظام سیاسی جدید باشد. در بسیاری از تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم نیز چنین تعبیری استفاده شده است؛ برای مثال درباره اروپای شرقی بعد از فروپاشی شوروی یا خاورمیانه پس از جنگ عراق. از این زاویه، جمله ترامپ می‌تواند به این معنا باشد که ایران پس از جنگ از نظر سیاسی با ایران قبل از جنگ متفاوت خواهد بود.



هفته نامه سپیدار



جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۴ شایسته

وقتی یک ملت پشت دخترانش می ایستد

به قلم: علی سلطانی

گاهی یک لحظه کوتاه در تاریخ می‌تواند حقیقت یک ملت را آشکار کند؛ لحظه‌ای که نشان می‌دهد مردم یک کشور واقعاً در کنار چه ارزش‌هایی ایستاده‌اند. سکوت چند دختر ایرانی در یک ورزشگاه در استرالیا، یکی از همان لحظه‌ها بود. سکوتی که در واقع صدای یک ملت بود. در آغاز مسابقه تیم ملی فوتبال زنان ایران در جام ملت‌های آسیا، بازیکنان هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی سکوت کردند. در نگاه اول شاید این فقط یک حرکت ساده به نظر برسد، اما در ایران امروز حتی چنین سکوتی نیز می‌تواند معنای یک اعتراض سیاسی داشته باشد.

رسانه‌های حکومتی بلافاصله واکنش نشان دادند. برخی از آن‌ها بازیکنان را «خائن در زمان جنگ» نامیدند و خواستار برخورد شدید با آن‌ها شدند. خیلی زود فشارها آغاز شد؛ تهدیدهایی که متوجه خانواده‌های بازیکنان در داخل ایران شد و فضای سنگینی را بر تیم تحمیل کرد. در بازی دوم، بازیکنان ناچار شدند زیر فشار حکومت سرود را بخوانند و حتی سلام نظامی بدهند.



افکار عمومی تبدیل شد. با گسترش این موضوع در رسانه‌ها، واکنش‌های بین‌المللی نیز افزایش یافت.

در میان این واکنش‌ها، بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی از این بازیکنان حمایت کردند. شاهزاده رضا پهلوی در پیامی اعلام کرد: «این دختران شجاع نماینده ایران واقعی هستند؛ ایرانی که در برابر ظلم سکوت نمی‌کند. جهان باید بداند که مردم ایران در کنار آنان ایستاده‌اند و اجازه نخواهند داد که رژیم جمهوری اسلامی آنان را مجازات کند.» این پیام بازتاب همان احساسی بود که میلیون‌ها ایرانی تجربه می‌کنند: ایران واقعی با جمهوری اسلامی یکی نیست.

در ادامه این واکنش‌ها، دونالد ترامپ نیز در شبکه Truth Social از دولت استرالیا خواست تا به این بازیکنان پناهندگی بدهد. در نهایت و در پی فشار افکار عمومی و توجه رسانه‌های بین‌المللی، دولت استرالیا با اعطای ویزای بشردوستانه به چند نفر از بازیکنان موافقت کرد و آن‌ها توانستند در این کشور بمانند. با این حال، حتی پس از این اتفاق نیز فشارها پایان نیافته است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی همچنان با تهدید و فشار بر خانواده‌های این فوتبالیست‌ها در داخل ایران تلاش می‌کند آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

اما پرسش مهم این است که چرا چنین همبستگی‌ای در میان ایرانیان شکل می‌گیرد؟ پاسخ را باید در هویت تاریخی ایران جست‌وجو کرد. ایران یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان است. در طول هزاران سال، مفهوم «ایران» تنها به یک حکومت محدود نبوده، بلکه به عنوان یک هویت فرهنگی و تمدنی شکل گرفته است. در بسیاری از کشورها، هویت ملی تا حد زیادی با دولت تعریف می‌شود. اما در ایران، ملت همواره از حکومت بزرگ‌تر بوده است. حتی زمانی که حکومت‌ها سقوط کرده‌اند، ایران به عنوان یک مفهوم فرهنگی و تاریخی باقی مانده است. از دوران هخامنشیان تا امروز، یک ایده مشترک همواره وجود داشته است: ایران به عنوان یک سرزمین و یک ملت.

همین پیوند عمیق باعث شده است که ایرانیان حتی در مهاجرت نیز خود را بخشی از یک ملت بدانند. به همین دلیل در لحظه‌های بحران، شبکه‌ای طبیعی از همبستگی میان ایرانیان شکل می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، مهاجران به تدریج در جامعه جدید ادغام می‌شوند و پیوندشان با کشور مبدأ کمرنگ می‌شود. اما در مورد ایرانیان، پدیده‌ای متفاوت دیده می‌شود. ایرانیان خارج از کشور یکی از فعال‌ترین دیاسپوراهای جهان هستند؛ در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، سیاست و شبکه‌های اجتماعی. آن‌ها نه تنها هویت خود را حفظ کرده‌اند، بلکه اغلب به مدافعان آزادی در ایران تبدیل شده‌اند. و شاید مهم‌ترین پیام این ماجرا همین باشد: وقتی یک ملت پشت یکدیگر می‌ایستند، صدای آن ملت خاموش نخواهد شد.

اما ماجرا به همین جا ختم نشد. آنچه جمهوری اسلامی هرگز به درستی درک نکرده این است که ایران تنها به جغرافیای داخل کشور محدود نمی‌شود. ایران در قلب میلیون‌ها ایرانی در سراسر جهان زنده است. وقتی خبر فشار بر این بازیکنان منتشر شد، موجی از همبستگی در میان ایرانیان خارج از کشور شکل گرفت. در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و حتی در تجمعات خیابانی، ایرانیان خواستار حمایت از این دختران شدند. در شهرهایی مانند گلدکوست و سیدنی، گروهی از ایرانیان در برابر محل اقامت تیم و همچنین در فرودگاه تجمع کردند و از بازیکنان خواستند برای حفاظت از خود به پلیس مراجعه کنند و از امکان درخواست پناهندگی استفاده کنند. این همبستگی تنها یک واکنش احساسی نبود؛ بلکه به تدریج به فشاری واقعی در عرصه